حکم فقهی طلب رزق

برای طالب علوم دینی

**استاد راهنما: حجت الاسلام و المسلمین مرتضی‌خواه**

**استاد مشاور: حجت الاسلام و المسلمین عابدینی**

محقق: محمدعلی سلمان زاده

سال تدوین: 98-99



**تقدیم نامه**

بضاعتی در خور تقدیم نمی­بینم، اما چون سنتی است حسنه ، دل برآن دارم که این تلاش را به محضر پاک خاندان رسالت، به ویژه آخرین سلاله عترت و حجت برحق، مهدی موعود – روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء- و به روح پرفتوح حضرت امام خمینی (ره) که ما را در مسیر اسلام ناب محمدی رهنمون ساختند. و همچنین به والدین بزرگوارم که هدایتگر و مشوق اینجانب در راه کسب علم و دین بودند و به اساتید معظم که اندوخته های علمی خود را در اختیار بنده گذاشتند، تقدیم نمایم.

**تقدیر نامه**

در راستای عمل به حدیث بلند رضوی «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَل»[[1]](#footnote-1)، بر خود لازم می دانم مراتب تقدیر و تشکر خود را از استاد راهنما، جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای مرتضی‌خواه و استاد مشاور جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای عابدینی اعلام دارم چرا که در نتیجه هدایت، ارشاد و راهنمایی­های بی­دریغ و سازنده ایشان، این مقاله به سرانجام رسید.

**چکیده تحقیق**

این پژوهش سعی شده با تکیه بر آیات قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام در باب طلب علم و طلب رزق به ما رسیده است تدوین گردد.

در این تحقیق در پاسخ به پرسش اصلی (حکم فقهی طلب رزق برای طالب علوم دینی چیست؟) و فرعی(وظیفه مکلف در صورت تزاحم بین طلب رزق و طلب علم چیست؟) تحقیق، به مباحث مختلفی پرداخته شده است؛ مباحثی همانند: زرق چیست؟ - رازق کیست؟ در ادبیات دینی، طالب علم به چه کسی میگویند؟ - حکم نفقه چیست؟ و... که مجموع مباحث فوق در این تحقیق در سه فصل سامان بخشی شده است.

فصل اول: کلیات (رزق، رازق، طالب علم، توکل، معیشت)

فصل دوم: حکم فقهی طلب رزق

فصل سوم: بررسی تقیید ادله طلب رزق برای طالب علوم دینی

قسمت نهایی: نتیجه‌گیری نهایی و فهرست منابع.

آنچه در پایان نتیجه میشود این است که؛ طلب علم برای هر مسلمان لازم و ضروری است و همچنین نفقه زن بر مرد هم واجب است، حال اگر در شرایطی این دو با هم جمع شوند باید تا جای ممکن از طلب علم دست کشید و به طلب رزق و پرداخت نفقه پرداخت.

**کلید واژه­ها:** زرق، رازق، معیشت، طالب علم، نفقه

فهرست

[مقدمه 1](#_Toc36247810)

[فصل اوّل: 3](#_Toc36247811)

[کلیات و مفاهیم 3](#_Toc36247812)

[رزق 4](#_Toc36247813)

[رازق 7](#_Toc36247814)

[طالب علم 8](#_Toc36247815)

[توکل 10](#_Toc36247816)

[فصل دوّم: حکم فقهی طلب علم و رزق 11](#_Toc36247817)

[روایات طلب علم 12](#_Toc36247818)

[طلب رزق 15](#_Toc36247819)

[فصل سوّم: بررسی تقیید ادله طلب رزق برای طالب علوم دینی 17](#_Toc36247820)

[روایت تضمین روزی اهل علم 18](#_Toc36247821)

[روایت وجوب نفقه 19](#_Toc36247822)

[جمع بندی نهایی 20](#_Toc36247823)

[فهرست منابع 22](#_Toc36247824)

# 

# مقدمه

هدف از نزول شریعت مقدس اسلام، هدایت بشر است. به همین دلیل شریعت مقدس در مورد مسائل مختلفی که در زندگی اجتماعی و فردی هر فرد رخ میدهد اظهار نظر کرده است.

یکی از این مسائل که هنوز به طور مفصل به آن پرداخته نشده مسئله طلب رزق و تجارت برای طالب علوم دینی است که زندگی بسیاری از طلاب را در این شرایط سخت زندگی تحت الشعاع قرار داده است.

رفع نیاز های اولیه فردی خود طالب علم و از طرفی مشکلات نفقه و رفع نیاز خانواده این مسئله را پررنگ تر کرده است تا جایی که به دلیل نگاه بسته به این قضیه و تعبد بدون در نظر گرفتن لوازم آن، مسئله معیشت جزو دغدغه های اولیه طلاب شده و تعداد کمی تکلیف خود را در این قضیه میدانند و اکثرا جانب احتیاط را رعایت میکنند و ورودی به این موضوع نمیکنند.

ثمره این بحث این است که حکم شرعی در طلب علم و طلب رزق چیست و اینکه آیا این دو مقابل هم هستند و یا قابل جمع اند؟ و در صورت تزاحم بین دو وجوب یعنی طلب علم و نفقه کدام یک اهم ملاک هستند و باید به آن عمل کرد؟

کار ما در فرایند علمی این است که با بررسی روایاتی که درباره طلب رزق و طلب علم به دست ما رسیده است به این فهم از شریعت برسیم که وظیفه طالب علم در قبال معیشت و طلب رزق چیست؟

در این تحقیق سعی شده زاویه دید بر روی روایاتی باشد که در باب طلب علم و طلب رزق است.

از عوامل موفقیت این تحقیق میتوان به کمک شایان استاد مشاور و راهنما نام برد که برای این کار وقت گذاشتند و محقق را در این امر یاری کردند.

هدف از این تحقیق، تعیین تکلیف طالب علم در بحث معیشت است که آیا باید همانطور که در راه علم سعی و تلاش می‌کند در راه کسب روزی هم سعی داشته باشد یا صرف علم آموزی او را کفایت میکند؟

مخاطب این تحقیق تمامی طلاب علوم دینی و غیر دینی هستند که دغدغه معیشت دارند.

# فصل اوّل:

## کلیات و مفاهیم

### رزق

#### رزق در لغت

رزق در لغت معناى چيزى است كه از آن نفعى حاصل مى شود (لسان العرب ، ج10 ،ص 115 ; كتاب العين ، ج5 ، ص 85; تاج العروس من جواهر القاموس، ج13، ص163‌). راغب اصفهانی در مفردات الفاظ قرآن آورده است: به عطای جاری رزق گفته می‌شود. خواه این عطا دنیوی و خواه اخروی باشد که در معانی مختلفی استفاده شده است، مانند: به آن چیزی که قبلاً آن را نداشته و به آنها عطا میشود و آنها از آن نفع می‌برد: «أعطى السّلطان رِزْقَ الجند» یعنی پادشاه روزی سربازان را به آنها داد و یا «رُزِقْتُ علما» یعنی عالم ها را روزی دادم و یا در قرآن کریم میفرماید؛ وَ أَنْفِقُوا مِنْ ما رَزَقْناكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ [المنافقون/ 10] ؛ «از هر چیزی که روزی‌تان کرده‌ایم، در راه خدا هزینه کنید»؛ که منظور مال، مقام و علم است و یا در سوره مبارکه کهف آیه 19 که میفرماید: : فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ؛ «و کمی غذا بخرد و برایتان بیاورد»؛ یعنی غذایی بیاورد تا از آن تغذیه کنید.

#### رزق در اصطلاح

متلکم‌های امامیه رزق را به معنای «شیء قابل بهره برداری و غیرقابل منع» گرفته اند.

خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب تجریدالاعتقاد در بحث صفات خداوند تبارک و تعالی آورده است که؛ «هر چیزی که از آن میتوان استفاده کرد و هیچ چیزی هم نمیتواند مانع آن باشد.» (الطوسي، الخواجة نصير الدين، تجرید الاعتقاد، ج1، ص208).

همچنین شیخ طوسی در کتاب «الاقتصاد» همین تعریف را ارائه کرده و گفته است که؛ «چیزی که روزی گیرنده میتواند از آن استفاده کند بنابر فرضی که هیچکس نمیتواند شخص را از آن محروم کند و یا حتی کسی که در استفاده از آن هم اولویت داشته باشد او هم نمیتواند آن را منع کند».(طوسى، ابو جعفر، محمد بن حسن، الاقتصاد الهادي إلى طريق الرشاد، ص104)

#### انواع رزق

علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان رزق را به دوسته عام و خاص تقسیم کرده و در توضیح آن آورده است که؛ «بنابر آیه 2 از سوره مبارک فرقان «وَ خَلَقَ كُلَّ شَيْ‏ءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِيراً» و در سوره مبارک ذاریات آیات 56 تا 58 فرمودند:«وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ، ما أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَ ما أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ، إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» و نیز در سوره مباک اسراء آیه 23 فرمود:«وَ قَضى‏ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ» که آنچه حاصل میشود این است که عبادت که خود مجتاج هدایت خداست از نظر شریعت مقدس اسلام، مقدر است»[[2]](#footnote-2)

علامه طباطبایی در ادامه

رحمت و رزق عمومی او برای مخلوقاتش مقدر است همچنین رزق و رحمت خاص او نیز برای مخلوقات مقدر است

### رازق

#### معنای لغوی

اسم فاعل از ریشه «رزق» و به معنای کسی که روزی میدهد.

#### معنای اصطلاحی

علامه طباطبایی در تعریف رازق میفرماید که «رزق بنابر آیه 58 سوره مبارک ذاریات « إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» بنابر حقیقت وجودی، فقط مخصوص خداوند تبارک و تعالی است و نسبت دادن رازقیت به دیگران از باب تسبت دادن به غیر است همانطور که مالکیت و عزیز بودن فقط مخصوص خداوند است و خود ایشان از باب لطف و بخشش به دیگران نیز اجازه استفاده از این عنوان را داده اند». (علامه طباطبایی، المیزان فی القرآن الکریم، ج3، ص138)

### طالب علم

#### معنای لغوی

طالب علم از حیث ساختار بر وزن اسم فاعل است به معنای کسی که طلب علم دارد و در راه کسب علم تلاش و کوشش میکند.

به معنای واضح تر کسی که در راه آموختن آن چیزی که قبلاً نمیدانسته است سعی و کوشش دارد.

#### معنای اصطلاحی

در شریعت مقدس اسلام دانش را صرف دانستن نمیداند بلکه علمی را صحیح میداند که برای شخص، نفع و سود اخروی داشته باشد. در روایتی از وجود نازنین پیامبر اکرم «صل الله علیه و اله وسلم» آمده که ایشان وارد مسجد شدند و دیدند مردم دور یک شخصی گرد آمده اند، پرسیدند او کیست؟ شخصی پاسخ داد او علامه (مبالغه در صفت علم) است. ایشان فرمودند منظور تو از علامه چیست؟ در پاسخ گفت: او کسی است که در انساب و حوادث عرب و روزگار جاهلیت و اشعار عرب از همه داناتر است. پیامبر«صل الله علیه و اله وسلم» فرمودند: «ذَاكَ عِلْمٌ لَا یَضُرُّ مَنْ جَهِلَهُ وَ لَا یَنْفَعُ مَنْ عَلِمَهُ» یعنی؛ از علم به اینها که گفتی نه کسی سودی میبرد و نه از ندانستن آنها کسی ضرری خواهد کرد. و در ادامه حضرت فرمودند: «انَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آیَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِیضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَ مَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ‏» یعنی؛ علم بر سه قسم است؛ 1- آیات محکم 2- فریضه عادله 3- سنت پابرجا و هرچه خالی از اینها باشد فضل است.

به طور کلی علم را میتوان در سه تقسیم بندی بیان کرد:

1. قطع و یقین: «وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ، إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ» {جاثیه،24} : آنها دلیل محکی برای ادعایشان ندارند و فقط حدس و گمان میزنند.
2. مطلق دانستن و در مقابل ندانستن: قرآن کریم به این آیه اشاره دارد؛ «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» {زمر،9}: آیا کسانی که به خدا معرفت دارند و کسانی که به خدا معرفت ندارند، یکسان هستند؟.

مطابق این معنا اخلاق، ریاضیات، فقه، ‌دستور زبان، مذهب، زیست شناسی و نجوم همه علم‌اند. کلمه Knowledge در انگلیسی و Connaissance در فرانسه معادل این معنا از علم‌اند.

1. تطبیق کلیات بر مصادیق: به معنى دانستن قواعد و كلیاتى كه بر مصادیق و جزئیاتش تطبیق كند، که این دو گونه است:
   1. دانستنی های تجربی: کلمه علم در معنای سوم منحصراً به دانستنی‌هایی اطلاق می‌شود که مبتنی بر تجربه مستقیم حسی باشند، مانند: پزشکی، فیزیک، هندسه و... و کلمه SCIENCE در انگلیسی و فرانسه معادل این معنا از علم‌اند.
   2. دانستنی های غیرتجربی: علم در این جا در برابر همه دانستنی‌هایی قرار می‌گیرد که آزمون پذیر نیستند. اخلاق (دانش خوبیها و بدیها)، متافیزیک (دانش احکام و عوارض مطلق هستی)، عرفان (تجارب درونی و شخصی)، منطق (ابزار هدایت فکر)، فقه، اصول، بلاغت، و... همه بیرون از علم به معنای سوم آن قرار می‌گیرند و همه به این معنا غیر علمی‌اند.

بدیهی است که منظور «علم» با معنای دوم و سوم بیشتر تناسب دارد.

### توکل

راغب اصفهانی در مورد معنی توکل می فرماید: اگر کلمه توکل با «لام» همراه باشد به معنی عهده دار شدن سرپرستی است مثلا «توکلت لفلان» یعنی من عهده دار سرپرستی فلانی شدم و اگر با علی بیاید به معنی اعتماد کردن می باشد مثل توکلت علی فلان یعنی اعتماد کردم بر فلانی. در روایتی آمده است پیامبر(ص) از جبرئیل می پرسند: توکل بر خدای عزوجل چیست؟ جبرئیل عرض کرد: علم داشتن به این که مخلوق نه زیانی می رساند و نه سودی می بخشد و نه می دهد و نه باز می دارد و به کار گرفتن یأس از خلق یعنی آن یأس باطنی و ناامیدی را که نسبت به مردم دارد در عمل و خارج نشان می دهد، پس هر گاه بنده چنان باشد برای احدی غیر از خدا کار نمی کند و جز به خدا امید ندارد و از غیر او ترسی ندارد و در احدی غیر از خدا طمع ندارد این همان توکل است در تمام این نمونه ها توکل به معنای لازم آن گرفته شده است، مثلا وقتی انسان علم دارد که مخلوق نه ضرری می رساند و نه سودی می بخشد پس فقط بر خدای تعالی اعتماد داشته و کارش را به او واگذار می کند. پس توکل بر خدا یعنی اعتماد کردن بر خدای تعالی و واگذار کردن کار به او و تسلیم اراده و مشیت او بودن و هیچ گونه اعتماد و تکیه نداشتن و استقلال ندادن به اسباب غیر از مسبب الاسباب یعنی حضرت حق تعالی. البته واضح است که معنای توکل آن نیست که انسان به دنبال اسباب کار نرود زیرا تمامی کارها با اسباب انجام می گیرند ولی فقط باید بداند که اسباب از خود چیزی نداشته و هرگز مستقل نمی باشند و تنها تکیه گاه خدای تعالی می باشد.

# فصل دوّم: حکم فقهی طلب علم و رزق

### روایات طلب علم

روایات متعددی درباره ضرورت طلب علم در شریعت بیان شده است به عنوان اختصار به چند نمونه اکتفا میشود:

1. محَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْفَتَّالُ فِي رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص‏ اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصِّينِ- فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ[[3]](#footnote-3)
2. وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِخَوْضِ اللُّجَجِ، وَ شَقِّ الْمُهَجِ‏.[[4]](#footnote-4)
3. اطْلُبُوا الْعِلْمَ تَرْشُدُوا.[[5]](#footnote-5)
4. وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعُمَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ فِي‏ كُلِّ حَالٍ.[[6]](#footnote-6)
5. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع‏ الشَّاخِصُ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ كَمْ مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ فَلَا يَرْجِعُ إِلَّا مَغْفُوراً.[[7]](#footnote-7)
6. قَالَ الصَّادِقُ ع‏ اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ تَزَيَّنُوا مَعَهُ بِالْحِلْمِ وَ الْوَقَارِ وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ تُعَلِّمُونَهُ الْعِلْمَ وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ طَلَبْتُمْ مِنْهُ الْعِلْمَ وَ لَا تَكُونُوا عُلَمَاءَ جَبَّارِينَ فَيَذْهَبَ بَاطِلُكُمْ بِحَقِّكُمْ.[[8]](#footnote-8)
7. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع‏ تَعَلَّمِ الْعِلْمَ فَإِنَّ تَعَلُّمَهُ حَسَنَةٌ[[9]](#footnote-9)
8. عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْأَحْوَلِ وَ اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ النُّعْمَانِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يَسَعُ النَّاسَ حَتَّى يَسْأَلُوا أَوْ يَتَفَقَّهُوا .[[10]](#footnote-10)
9. عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ وَ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِمَا قَالَ: سُئِلَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ع هَلْ يَسَعُ النَّاسَ تَرْكُ الْمَسْأَلَةِ عَمَّا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ قَالَ لَا .[[11]](#footnote-11)
10. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ الْمَعْرُوفُ بممولة قَالَ حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُغَاةَ الْعِلْمِ.[[12]](#footnote-12)
11. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَسَّانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعُمَرِيِّ عَنْ أَبِي‏ عَبْدِ اللَّهِ ع‏ قَالَ طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ.[[13]](#footnote-13)
12. يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ.[[14]](#footnote-14)
13. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَسَّانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعُمَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع‏ قَالَ طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ.[[15]](#footnote-15)
14. عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ غَيْرُهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ السَّبِيعِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ‏ أَيُّهَا النَّاسُ اعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَ الْعَمَلُ بِهِ أَلَا وَ إِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ أَوْجَبُ عَلَيْكُمْ مِنْ طَلَبِ الْمَالِ إِنَّ الْمَالَ مَقْسُومٌ مَضْمُونٌ لَكُمْ قَدْ قَسَمَهُ عَادِلٌ بَيْنَكُمْ وَ ضَمِنَهُ وَ سَيَفِي لَكُمْ وَ الْعِلْمُ مَخْزُونٌ عِنْدَ أَهْلِهِ وَ قَدْ أُمِرْتُمْ بِطَلَبِهِ مِنْ أَهْلِهِ‏ فَاطْلُبُوهُ.[[16]](#footnote-16)
15. .... إِنَّ الْعَاقِلَ لِدَلَالَةِ عَقْلِهِ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ قِوَامَهُ وَ زِينَتَهُ وَ هِدَايَتَهُ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَ أَنَّهُ هُوَ رَبُّهُ وَ عَلِمَ أَنَّ لِخَالِقِهِ مَحَبَّةً وَ أَنَّ لَهُ كَرَاهِيَةً وَ أَنَّ لَهُ طَاعَةً وَ أَنَّ لَهُ مَعْصِيَةً فَلَمْ يَجِدْ عَقْلَهُ يَدُلُّهُ عَلَى ذَلِكَ‏ وَ عَلِمَ أَنَّهُ لَا يُوصَلُ إِلَيْهِ إِلَّا بِالْعِلْمِ وَ طَلَبِهِ وَ أَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِعَقْلِهِ إِنْ لَمْ يُصِبْ ذَلِكَ بِعِلْمِهِ فَوَجَبَ عَلَى الْعَاقِلِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَ الْأَدَبِ الَّذِي لَا قِوَامَ لَهُ إِلَّا بِهِ.[[17]](#footnote-17)

### طلب رزق

#### معنای رزق

معنای رزق ابتدا فقط در مورد خوراکی‌ها و هر غذایی که به انسان می‌رسد صدق می‌کرد چه‌دهنده اش معلوم باشد و چه معلوم نباشد، سپس در معنای آن توسعه داده شد و بر هر سودی که به انسان می‌رسد اطلاق می‌شود هرچند که غذا نباشد،بنابر این اعتبار، رزق شامل همه مزایای زندگی اعمّ از مال، جاه، عشیره، یاران، علم، جمال و ....نیز می‌شود.  
بنا بر نظر علامه طباطبایی منظور از (رزق حسن) در برخی از آیات قرآن، نبوت و علم می‌باشد. (ترجمه تفسیر المیزان، ج 3، ص 214)

#### اقسام رزق

رزق را به دو بخش تقسیم کرد:  
الف) رزق مادی: این نوع رزق، رزقی است که لازمه زندگی دنیوی می‌باشد و انسان و تمام موجودات زنده در این جهان برای زنده ماندن و بقائ نسل خود نیازمند به ان هستند. رزق مادی بنابر احکام تکلیفی وضعی به پنج قسم تقسیم می‌شود که عبارتند از:  
1) واجب: مانند برآورده کردن نیاز خانواده.    
2) حرام: مانند رزقی که انسان از راه حرام مانند دزدی به دست آورده است.    
3) مستحب: مانند رزقی که انسان تلاش می‌کند آن را برای راحتی زندگی خانواده اش به دست آورد.    
4) مکروه: رزقی که به‌دست آوردن آن حرام نیست اما بهتر این است که انسان برای به دست آوردنش تلاش نکند مثل رزقی که از راه قصابی و یا برخی مکاسب مکروه به دست می‌آید.    
5) مباح: مانند رزقی که انسان نیاز واجب به آن ندارد و همچنین به دست آوردن آن نیز حرام نمی‌باشد مثل کسب و  کار روزانه که بطور مباح و بدون احتیاج به آن به دست می‌آید.  
ب) رزق معنوی: این نوع رزق، رزقی است که وجود آن به انسان مفهومی واقعی می‌بخشد و با انجام اعمال نیک مثل عمل به مستحبات به دست می‌آید، در حقیقت هر انسانی که به دنبال رزق معنوی برود و برای به دست آوردن این رزق تلاش کند می‌تواند در سرای آخرت در بهشت برین برای خود مکانی مهیا کند.  
البته هر دو نوع رزق مذکور در بالا را می‌توان به فرمایش امیرالمومنین حضرت علی(ع) تطبیق داد که می‌فرمایند: روزى دو قسم است، يكى آن كه تو آن را مى‏جويى، و ديگر آن كه او تو را مى‏جويد. (نهج البلاغه، حکمت 431)  
پس بنابر این حدیث رزقی که انسان به دنبال آن می‌رود احتمال دارد که هم مادی باشد و هم معنوی، و همین طور در رزقی که خود به سراغ انسان می‌آید نیز این احتمال وجود دارد، اگر انسان فقط و فقط به فکر دنیای خود باشدطبیعتا به دنبال رزق مادی می‌رود و کوچک‌ترین توجهی به آخرت خود ندارد، زیرا هدف او این است که زندگی دنیوی خود را هر روز زیبا‌تر از دیروز گرداند، اما کسی که علاوه بر دنیای مادی به فکر آخرت خود نیز می‌باشد، بجز رزق مادی به دنبال رزق معنوی نیز می‌رود، زیرا هدف او علاوه بر تامین مخارج زندگی خود این است که در سرای آخرت در بهشت برین برای خودمکانی مهیا کند.  
کسانی که با تقوا می‌باشند و به یاد خداوند متعال هستند و اعمال واجب خود را انجام می‌دهند و برای به دست آوردن رزق معنوی به مستحبات عمل می‌کنند، چنین افرادی دغدغه رزق مادی را ندارند زیرا رزق مادی، خود به سراغ آنهامی آید حتی اگر به سراغش نروند. البته این بدین معنا نیست که تلاشی برای رزق مادی انجام ندهند.  
قرآن کریم درباره افراد با تقوا می‌فرماید: «مَن يَتَّقِ اللَّهَ يجَعَل لَّهُ مخَرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يحَتَسِب» (هر كس تقواى الهى پيشه كند، خداوند راه نجاتى براى او فراهم مى‏كند، و او را از جايى كه گمان ندارد روزى مى‏دهد) (طلاق ـ 3)

# فصل سوّم: بررسی تقیید ادله طلب رزق برای طالب علوم دینی

### روایت تضمین روزی اهل علم

روایات متعددی در زمینه تضمین روزی طالب علم در شریعت وجود دارد که در ادامه به ذکر چند نمونه اکتفاء میشود.

1. روى الكليني في القوي بطريقين، عن الوليد بن صبيح، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن من الناس من جعل رزقه في السيف و منهم من جعل رزقه في التجارة و منهم من جعل رزقه في لسانه‏[[18]](#footnote-18) و ظاهر أن الشعراء و الطلبة و أمثالهما من هذا القبيل.[[19]](#footnote-19)
2. من‏ طلب‏ العلم‏[[20]](#footnote-20) تكفّل اللَّه برزقه.
3. هر كه طلب علم كند خداى تعالى بروزى دادنش ضامن و پايندان بود، خداى تعالى اگر چه هر جانورى را روزى بر خويشتن واجب كرده است و ليكن هر يكى را وجهى بود كه تا بدان مشغول نشوند روزى بوى نرسد [امّا] آنكه طلب علم كند خداى تعالى بى‏سببى روزيش دهد. مصطفى عليه السّلام گويد كه: ندانسته كه خير دنيا و آخرت با علم بود و شرّ دنيا و آخرت با جهل بود، خداى را نپرستند إلّا بعلم، و طاعتش را بنرسند إلّا بعلم، و اين نشانست كه هر كس طاعت و عبادت بى‏حدّ كند چون بى‏علم كند همه هباء منثور[[21]](#footnote-21) بود.[[22]](#footnote-22)
4. من تفقّه في دين اللّه كفاه اللّه تعالى ما أهمّه و رزقه من حيث لا يحتسب»

### روایت وجوب نفقه

شهید اول در کتاب لمعه آورده است که نفقه با عقد دائم بر عهده مکلف واجب میشود خواه زن آزاد یا بنده باشد و بین أمه مسلم و کافر فرقی نیست.

در قرآن کریم، آیات متعددی درباره وجوب نفقه زن نازل شده است، مانند:

وَالْوَالِدَاتُ یُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَیْنِ کَامِلَیْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَن یُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَی الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَکِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...( بقره/۲، آیه ۲۳۳) مادران، فرزندان خود را دو سال تمام شیر می‏دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند و برای آن کس که فرزند برای او متولد شده (پدر)، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن) بپردازد (حتی اگر طلاق گرفته باشد).

أَسْکِنُوهُنَّ مِنْ حَیْثُ سَکَنتُم مِن وُجْدِکُمْ... لِیُنفِقْ ذُو سَعَةٍ مِن سَعَتِهِ وَمَن قُدِرَ عَلَیْهِ رِزْقُهُ فَلْیُنفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ...( طلاق/۶۵، آیه ۶)

آنها را هر جا خودتان سکونت دارید و در توانایی شماست سکونت دهید... آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آنها که تنگدست‌اند، از آنچه که خدا به آنها داده انفاق نمایند.

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَی‏ النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللّهُ بَعْضَهُمْ عَلَی‏ بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ... (نساء/۴، آیه۳۴)

مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، به دلیل برتریهایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به دلیل انفاقهایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‏کنند.

این آیات، نفقه زن و فرزندان را بر عهده شوهر گذاشته و بر او واجب کرده است تا به قدر توان در تأمین زندگی آنان بکوشد.

# جمع بندی نهایی

بنابر آنچه گذشت، رزق به معنای «شی قابل بهره برداری و غیرقابل منع است» و علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان رزق را به دو دسته عام و خاص تقسیم کردند و بیان شد که گاهی طلب رزق ممکن است واجب شود مانند وجوب پرداخت نفقه همسر. در ادامه به بحث طلب علم پرداختیم و گفتیم که علم از نگاه اسلام دو نوع است؛ 1- واجب که علم اعتقادات است و 2-مستحب مانند علمی که موجب تقرب ما به خداوند خواهد بود و 3- غیرمستحب و واجب مانند علومی که فقط بدرد دنیا میخورند یا گاهی ضرر دنیوی و اخروی هم ممکن است داشته باشند و از قسم حرام خواهد بود. گفتیم که در شریعت اسلام علمی مورد پذیرش است که نفع و سود اخروی داشته باشد. اما پرسش اصلی اینجا بود؛ اگر تزاحم بین طلب علم و طلب رزق رخ دهد تکلیف مکلف چیست؟

اما آنچه میتوان از مجموع روایات و آیات نتیجه گرفت این است که ابتدای امر اصلا تزاحمی رخ نمیدهد زیرا طلب علم مصطلح برای طالبان علوم دینی امری مستحب است و نفقه واجب است در صورتی که تزاحم رخ دهد از باب تقدیم واجب بر مستحب، طلب رزق را مقدم میکنند، اما در صورتی که قائل شویم طلب علم مانند طلب رزق واجب است باید آن موضوعی که ملاک اهم دارد را مقدم کرد یعنی وجوب پرداخت نفقه و طلب رزق.

**« وَ**­**السَّلامُ عَلَیکُم**­**وَ**­**رَحمَةُ**­**الله»**

### فهرست منابع

1. قرآن کریم.
2. عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على‌(966 ه‍ ق‌)، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، شارح: كلانتر ، قم- ايران‌، كتابفروشى داورى
3. شيخ حر عاملى، محمد بن حسن (1104 هـ ق)، وسائل الشيعة، قم- ايران‌: مؤسسة آل البيت عليهم السلام
4. عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على‌(966 ه‍ ق‌)، منية المريد في ادب المفيد والمستفيد، مكتب الاعلام الاسلامي، بی تا
5. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، تجرید الاعتقاد، ضمن کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد: تألیف علامه حلّی، قم، چاپ حسن حسن زاده آملی، ۱۴۰۷ق.
6. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن‏ (الف 1400 هـ . ق). الاقتصاد الهادی إلی طریق الرشاد، قم، جامع چهلستون.
7. حر عاملی، محمد بن حسن بن علی (1409 هـ . ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع).
8. حلوانی، حسین بن محمد، نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، مدرسة الإمام المهدي (علیه‌السلام‏)، قم – ایران
9. دیلمی، حسن بن محمد، أورده فی أعلام الدین، چاپ اول، قم-ایران، مؤسسه آل‌البیت (علیه السلام)
10. فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ۱۴۲۳ق، ایران- قم دلیل ما،
11. لیثى واسطى، على بن محمد، عیون الحكم و المواعظ (للیثی) - قم، چاپ: اول،
12. . ش1376

1. . «هر كه سپاس مردم نعمت دهنده را نگويد، سپاس خداي بزرگ را نگفته است» (شیخ حُرّ عاملی، وسائل الشيعة ،ج16ص313، حديث 21637). [↑](#footnote-ref-1)
2. - [↑](#footnote-ref-2)
3. - وسائل الشيعة ؛ ج‏27 ؛ ص27 [↑](#footnote-ref-3)
4. - نزهة الناظر و تنبيه الخاطر ؛ ص108 - أورده في أعلام الدّين: 189( مخطوط) عنه و عن كتاب الاربعين في قضاء حقوق المؤمنين( مخطوط) البحار: 78/ 277 ضمن ح 113، و في مقصد الرّاغب: 158( مخطوط). [↑](#footnote-ref-4)
5. عيون الحكم و المواعظ (لليثي) ؛ ص89- ليثى واسطى، على بن محمد، عيون الحكم و المواعظ (لليثي) - قم، چاپ: اول، 1376 ش. [↑](#footnote-ref-5)
6. - وسائل الشيعة ؛ ج‏27 ؛ ص27 [↑](#footnote-ref-6)
7. روضة الواعظين و بصيرة المتعظين (ط - القديمة) ؛ ج‏1 ؛ ص10 [↑](#footnote-ref-7)
8. روضة الواعظين و بصيرة المتعظين (ط - القديمة) ؛ ج‏1 ؛ ص10 [↑](#footnote-ref-8)
9. روضة الواعظين و بصيرة المتعظين (ط - القديمة) ؛ ج‏1 ؛ ص9 [↑](#footnote-ref-9)
10. المحاسن ؛ ج‏1 ؛ ص225 [↑](#footnote-ref-10)
11. المحاسن ؛ ج‏1 ؛ ص225 [↑](#footnote-ref-11)
12. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ؛ ج‏1 ؛ ص2 [↑](#footnote-ref-12)
13. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ؛ ج‏1 ؛ ص2 [↑](#footnote-ref-13)
14. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ؛ ج‏1 ؛ ص2 [↑](#footnote-ref-14)
15. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ؛ ج‏1 ؛ ص2 [↑](#footnote-ref-15)
16. الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج‏1 ؛ ص30 [↑](#footnote-ref-16)
17. الأمالي (للطوسي) ؛ النص ؛ ص488 [↑](#footnote-ref-17)
18. ( 1) الكافي باب النوادر خبر 5 و 45 و لكن في السند الثاني عن الوليد بن صبيح عن خالد الوليد إلخ. [↑](#footnote-ref-18)
19. مجلسى، محمدتقى بن مقصودعلى، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة) - قم، چاپ: دوم، 1406 ق. [↑](#footnote-ref-19)
20. ( 2) در نسخه عتيقه:

    \iُ« علما».\E

    . [↑](#footnote-ref-20)
21. ( 3) مأخوذ از آخر آيه 23 سورة الفرقان است و تمام آن اين است:«\i وَ قَدِمْنا إِلى‏ ما عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْناهُ هَباءً مَنْثُوراً\E و مراد به« هباء منثور» آنست كه پوچ و بى‏حاصل باشد. [↑](#footnote-ref-21)
22. قضاعي، محمد بن سلامة، شرح فارسى شهاب الأخبار(كلمات قصار پيامبر خاتم ص) - تهران، چاپ: اول، 1361 ش. [↑](#footnote-ref-22)